

**یاد کارگران جانباخته معدنچی هجدک را گرامی می داریم!**

**مسببن این جنایت کارفرمایان و جمهوری اسلامی اند!**

## بازگشایی مدارس و بی کفایتی دولت!

صفحه ۳

ملکه عزتی

**در ستایش و گرامی داشت جانباختگان راه آزادی و برابری**

صفحه ۵

جاوید حکیمی

**موفقیت ۸۰ درصدی کمپین اعتصاب کارگران نفت و گاز**

**پایان شرایط دهشتناک پناهندگی در گرو دخالت جدی شماس**

صفحه ۶

سعید آرمان

**وحشت طرفداران سرمایه از گسترش مبارزات کارگری**

صفحه ۷

نادر شریفی

**بزودی برگزار می شود؛ سمینار سیاسی رحمان حسین زاده**

**بحران حزب کمونیست ایران و کومه له: سیاست کمونیستی در قبال آن**

**ضرورت اعمال نظارت کارگران بر ایمنی محیط کار**

صفحه ۸

سیاوش دانشور

**قتل فجیع دو خواهر توسط پدر، دولت اقلیم مسؤل است!**

۵۶۰

مصلحتی  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۲۱ شهریور ۱۳۹۹ - ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰

**کرونا، صنعت دین،**

**سرمایه داری**

موج جدید کرونا در کشورهای مختلف همچنان از مردم قربانی میگیرد. سازمان بهداشت جهانی از آمار ابتدای حدود ۲۸ میلیون نفر در سراسر جهان و بیش از دو میلیون نفر در خاورمیانه طی شش ماه گذشته خبر میدهد. این سازمان هشدار میدهد که افزایش سفرها، بازگشایی مدارس و آغاز فصل شیوع آنفلوآنزا، خطر پاندمی کرونا را افزایش داده است. با اینحال دولت‌ها بعد از تمهیدات اولیه عمدتاً سیاست عادی سازی داشتند که تا هم اکنون نتایج فاجعه بار خود را ببار آورده است.

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در آمار ابتلا به کرونا و مرگ و میر در صدر جدول کشورهای خاورمیانه قرار دارد. سیاست حکومت اسلامی مانند فاشیست‌ها در اروپا مقابله با هر نوع محدودیت است. اسلاميون در ایران با برپائی مراسمهای عزاداری در محرم و بمناسبت مناسک تاسوعا و عاشورا، باندازه کافی در شیوع وسیع تر ویروس کرونا جد و جهد کرده اند. هم اکنون نیز بازشدن مدارس مخاطرات جدی تری را مقابل مردم قرار داده است. مقامات وزارت بهداشت در ایران راجع به موج قرمز سینوسی کرونا در تهران ابراز نگرانی می کنند. این در حالی است که مدارس و مراکز آموزشی

صفحه ۲

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

اعتصاب اند.

## کرونا، صنعت دین، سرمایه داری ...

بدستور دولت باز شدند. خانواده ها و شاگردان و پرسنل آموزشی معترض اند و روحانی و وزارت آموزش و پرورش که مسئول مستقیم این اقدام است در برابر انتقادات و مخالفت ها میگویند: "اجباری برای حضور در مدرسه در کار نیست!" پول شهریه را گرفتند و حالا میگویند اجباری در کار نیست!

در مراکز کار هر روز تعداد بیشتری از کارگران به کرونا دچار می شوند. کارگران فاقد کمترین امکانات بهداشتی هستند و بخش عظیمی از مردم فقر زده که از امکانات دارویی و بهداشتی محروم اند به حال خود رها شدند. خیلی ها حتی امکان اینکه به بیمارستان مراجعه کنند یا پذیرش شوند را ندارند. دولتی ها و مجلسی ها در اتاق شیشه ای نشسته اند و به عادی سازی کامل فعل و انفعالات اقتصادی با حذف همان اعمال برخی سقهای محدودیت مشغولند. محدودیتهایی که یا در عمل اجرا نشدند یا سرعت یک به یک حذف شدند. در پی حذف سقف ظرفیت ۶۰ درصدی مسافرگیری برای شرکتهای هواپیمایی توسط دولت، رسولی مدیرعامل شرکت راه آهن هم میگوید: شرکتهای ریلی درخواست کرده اند تا سقف ۵۰ درصدی پذیرش مسافر ریلی حذف شود. در بیشتر مراکز کار همین داستان است.

اگر کرونا محصول یک مناسیون ژنتیکی است، اما فقدان یک سیستم ایمنی درمانی و بهداشتی و غذایی و محیط زیستی، دیگر تماماً محصول عملکرد سرمایه داری امروز است که در تلاش و رقابت بیوقفه و خونبار برای کسب سود بیشتر است. صنعت دین و خرافات مذهبی در پاندمی کرونا بیربطی اش را به زندگی انسان امروز تماماً نشان داد. اسلامیون و فاشیستها از یک موضع واحد علیه هر نوع محدودیت و تمهیدات دولتی ایستادند. دولتها نیز با سیاست ایمنی گله ای و عادیسازی بدرجات مختلف، راه قتل عام پیران، بیماران و کارگران را باز و برای صرفه جوئی اقتصادی مبادرت به بیکارسازی وسیع کردند. در کنار فقر و فلاکت میلیاردها انسان کره خاکی البته لایه ای از سرمایه داران سودهای نجومی بردند. ثروت جف بزوس، رئیس و بنیانگذار شرکت آمازون، به لطف خرید آنلاین ۲۴ میلیارد دلار افزایش یافت و با سرمایه ۱۳۸ میلیاردی ثروتمندترین مرد جهان شد. در ایران جان برای نان تا هم اکنون فاجعه ببار آورده و هنوز محدودیتهایی بر عمل و اراده مردم برای اعتراض وسیع توده ای ایجاد می کند. دولت اسلامی از یکسو نمی خواهد و نمی تواند هزینه قرنطینه و معیشت و سلامت ساکنین جامعه را بدهد و از سوی دیگر از این وحشت دارد که بدون کار جامعه بهم می ریزد و دهها میلیون گرسنه سر به شورش برمیآورد. بهای حل این تناقض از نظر دولت اسلامی جان مردمی است که ناچارند کار کنند و حتی با کار دو شیفته نیز حریف تامین هزینه های سنگین زندگی نمی شوند. در همین شرایط نیز کارگران برای نقد کردن حقوقهای معوقه مرتباً در اعتراض و

جامعه به اسارت گرفته شده در چنگال فقر و فلاکت اقتصادی و بیماری و بیکاری برای بقای خود ناچار است اعتراض کند، ناچار است این سد را بشکند، جز این راهی ندارد. تا این حکومت سرکار است نه فقط هیچ نوع گشایشی در افق نیست بلکه هر روز وضع بدتر می شود. امروز خواست

تامین معیشت و لوازم بازتولید زندگی و سلامت و بهداشت، خواستی وسیع و عمومی است. اعتصابات گسترده کارگری نیز برسر همین خواست پایه ای است. خیزش های توده ای آتی نیز مظهر این تمایل عمومی را علیه فقر و فلاکت و بیکاری، علیه جمهوری اسلامی بعنوان حکومت بانی و مسبب این اوضاع بر خود خواهد داشت.

سردبیر.

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰

### بارآوری کار و بیکاری

**بهبود تکنیک و افزایش بارآوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتها به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفاً کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساساً به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.**

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## بازگشایی مدارس و بی کفایتی دولت!

ملکه عزتی



باعث بیشترین مرگ و میر در محلات فقیر نشین و حاشیه شهرها شده و از ۱۵ شهریور تا آخر سال با بازگشایی مدارس باید منتظر فاجعه ای بود که از عواقب این بازگشایی غیرمسولانه خواهد بود. زمانی که با پروبی اعلام میکنند برنامه و نقشه عملی و آماده برای بازگشایی دارند یک دبیر آموزش و پرورش به خبرگزاری ایسنا میگوید: نه می دانیم چه کاری انجام می دهیم و نه می دانیم چه کاری باید انجام دهیم، همه چیز برای ما مبهم، مبهم، مبهم است!!

مسئولین و مراجع بهداشت و سلامت که هنوز از اندک وجدانی برخوردارند میگویند شناسایی کودکان مبتلا به کرونا در مدارس ممکن نیست. امکان اجرای پروتکلها و دستورالعملها در بیشتر مدارس نمی تواند انجام شود و طولانی بودن دوره نهفتگی این بیماری باعث می شود تا قبل از تشخیص بیماری کودکان در مدت طولانی در معرض خطر همکلاسی های مبتلای خود قرار بگیرند و این چیزی نیست که بتوان در مدارس تشخیص داد یا کنترل کرد.

بازگشایی مدارس در عمل معنای دیگری جز اینکه کودکانی در رده های سنی ۶ تا ۹ سال که بار مسئولیت حفاظت از خود را بعهده بگیرند، ندارد. در یک جامعه مبتنی بر طبقات از کوچکترین اجزا زندگی تا مهمترین وقایع آن بار طبقاتی دارند. آموزش، بهداشت، معیشت و بهره بردن از امکانات و مزایای رفاهی و حتی شادی و لذت بردن از کودکی و در کل زندگی بر اساس خواستگاه و موقعیت طبقاتی انسانها تقسیم و تنظیم میشود. آموزش یکی از این مهم ترین عرصه هاست. فرزندان خانواده هاییکه از امکانات رفاهی بدون محدودیت برخوردارند نیازی به حضور فیزیکی در کلاسهای درس ندارند، تلفن های هوشمند و کامپیوتر و تابلت در اختیارشان است، محدودیت استفاده از اینترنت هم فقط در حد شایعاتی است که گاهی به گوششان خورده اما هرگز خودشان تجربه نکرده اند. اینها انتخابشان مدارس دولتی در محلات فقیر نشین و حاشیه شهرها نیست. مدارس انتفاعی و خصوصی همراه با فضای وسیع آموزشی، کلاسهای درس با امکانات بهداشتی، ماشین شخصی بجای اتوبوس و مترو و وسایل نقلیه عمومی، انتخابی است که برای اقلیت مرفه جامعه فراهم است. بازگشایی مدارس درد این طبقه نیست. ابتلا به کرونا هر چند محتمل است اما امکانات مداوا و بهبودی صدها برابر اکثریت عظیمی است که برای تامین معیشت زندگی مجبورند ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار کنند و در نهایت و در صورت ابتلا به کرونا با کمترین امکانات به جنگ آن بروند. جنایتکارانی که چهار دهه است زندگی اکثریت مردم را سیاه کرده اند و فقر و فلاکت را به خانه های کارگران و زحمتکشان برده اند به کودکان ۶ تا ۹ ساله میگویند: امسال سال انضباط دقیق دانش آموزان است چیزی شبیه پادگانهای آموزشی نیروهای مسلح. انضباط همیشه در کلاسها و مدرسه یک اصل بوده است، اما امسال انضباط اصل مهمی است، دانش آموز باید حتما فاصله اجتماعی را رعایت کند و در زمان ورود و خروج با تراکم و ازدحام نباید مواجه شود!!!

در این میان صد البته پرداخت شهریه های نجومی و هزینه ثبت نام و خرید کتاب و دفتر و وسایل مورد نیاز کودکان و نوجوانانی را در مدارس حضور پیدا میکنند، نباید فراموش کرد. چه کسی این هزینه

هفته گذشته مدارس در ایران بازگشایی شد. مشخصات این بازگشایی غیرمسولانه در یک نگاه اجمالی اینچنین است. وضعیت قرمز، زرد و سفید کدهایی است که مسولین آموزش و پرورش برای شروع سال تحصیلی جدید اعلام کرده اند. اگر وضعیت استانی قرمز باشد، کلاس درس دانش آموزان فقط در فضای مجازی برگزار خواهد شد، در وضعیت زرد، دانش آموزان سه روز هفته را به مدرسه می روند و سه روز دیگر آموزش مجازی دریافت می کنند. در شرایط سفید کلاس های درس طبق روال عادی برگزار خواهد شد. به عبارتی دیگر پدر و مادران این دانش آموزان نصف بیشتر وقتشان باید صرف کسب اطلاعات رنگ شهرها و تصمیم در مورد مدرسه رفتن یا در خانه ماندن فرزندانانشان باشند. مصایب و دردها کم بود باید این قلم را هم به گردن خانواده ها انداخت. والدین حدود ۱۵ میلیون دانش آموز صبح شنبه به مدرسه زنگ بزنند و بپرسند امروز سفید است یا زرد یا شاید قرمز! مدرسه تعطیل است یا نه؟

علیرغم تاکیدات و هشدارهای بسیاری از پزشکان و مسئولین بهداشت و درمان و والدین و خانواده ها دولت بر تصمیم خود مبنی بر بازگشایی مدارس مصمم باقی ماند و نهایتا هفته گذشته این اقدام اجرایی شد. میگویند خانواده ها میتوانند خودشان تصمیم بگیرند فرزندانانشان در کلاس حضور داشته باشند یا از طریق اینترنت و تدریس از راه دور آموزش را دنبال کنند! همزمان وزیر آموزش و پرورش در کمال بیشرمی به خانواده ها هشدار میدهد که عقب ماندن فرزندانانشان از تحصیل به مراتب "خطرناکتر" از کرونا است! یا آموزش و پرورش میگوید استفاده از فناوری اینترنت جای کلاس و حضور فیزیکی در کلاسهای درس را نمیگیرد، اما همزمان اعلام میکنند اختیار تصمیم گیری با خانواده ها است.

حسن روحانی شاید که هر ساله مدارس با نطق حضوری و افتتاحیه وی در یکی از مدارس بازگشایی مراکز آموزشی رسمیت می یافت، اینبار برای حفظ جان خود از خطر ابتلا به کرونا از طریق سکاپ نطق بازگشایی را انجام داد! این روباه شاید حق خود میدانند که از ابتلا به کرونا بترسد و خطر ابتلا را به حداقل برساند. نطقش را از طریق فضای اینترنتی انجام دهد و بیگدار به آب نزند، اما میلیونها کودک در شهرهای ایران اگر در معرض خطر ابتلا به کرونا قرار بگیرند باکی نیست! مگر کودکان کار امنیت دارند، مگر هزاران کودک و نوجوان که قربانی خشونت فیزیکی و جنسی میشوند امنیت دارند؟ مگر رومینا اشرفی در چهاردیواری خانه اش امنیت داشت؟ مگر کودکان و نوجوانان کولبر امنیت دارند؟

چهل سال است اکثریت عظیم مردم کارگر و زحمتکش در بی امنیتی مطلق اجتماعی و سیاسی زندگی میکنند. امسال اما کرونا شرایط را بیشتر از همیشه برای طبقات و اقشار کم درآمد اجتماعی سخت و دردناک کرده است. عدم دسترسی به وسایل اولیه بهداشتی و درمانی



## بازگشایی مدارس و بی کفایتی دولت ...

ها را متحمل خواهد شد؟ پدران و مادرانی که برای هزینه های روزانه خود درمانده اند؟ در جامعه ای که تا امروز مطابق آمار دولتی حدود ۲۲ هزار نفر بر اثر ابتلا به کرونا جان باخته اند، بازگشایی مدارس در مناطق محروم نتایجی به بار خواهد آورد که تصور آن هم لرزه بر اندام هر انسان با وجدانی خواهد انداخت. بعد از شیوع شدید کرونا در فروردین امسال، آمار ابتلا و مرگ و میر دوباره شدت گرفت و این به تنهایی میتواند عامل نگرانی خانواده های باشد که از ابتدا هم از دسترسی به وسایل درمانی و بهداشتی در مزیقه قرار داشته اند.

در حالی که هنوز اثرات این تصمیم غیرمسولانه و جنایتکارانه در جامعه مشهود نیست و در حالی که در بیشتر کشورهای دنیا در شرایط خطر شیوع کرونا آموزش از طریق نت یکی از روشهای متداول تدریس بوده، آخوند علم الهدی این نماینده وقیح جهالت و ارتجاع میگوید اینکه دستیابی به فضای مجازی را در روستاها و در دهات اجرا کنید، معلوم نیست به مصلحت باشد. بردن تبلت و لپتاپ در یک روستای دور دست و در اختیار بچه روستایی گذاشتن، یک بُعدش استفاده در آموزش و پرورش است. "تبلتی که به دست بچه روستایی می رسد ۱۰ برابر امکان دسترسی به شبکه های اجتماعی، مراکز فساد و رسانه های خارجی و بدآموزی هایی است که این جوان و نوجوان ما را از باور اسلام و دین جدا می کند!" اینها کسانی هستند که نصف بیشتر خانواده و بستگانشان در امریکا و اروپا مشغول خوشگذرانی با سرمایه های به غارت رفته مردمی هستند که خوراکشان را در سطل های آشغال جستجو میکنند. اینها عمله و اگره سیستم سیاه آموزشی هستند که با وقاحت عکس دختران را از روی جلد کتابهای درسی حذف کرده اند و خواهان تعطیل کردن مهد کودکهای هستند که به کودکان شادی و خندیدن و رقصیدن را یاد میدهند. اجازه میدهند کودکان روزهایشان بدون واهمه از آتش جهنم و ترس از شب اول قبر بگذرد. اینان بانیان نظام آموزشی هستند که برای کودک ۹ ساله جشن تکلیف میگیرند و در دانشگاه واحدی تحت عنوان "شکوه همسر داری" تدریس میکنند. مدارس را باز کرده اند تا باور به دین بدست فراموشی سپرده نشود و دکان عوامفریبی و کسب سود و ثروتشان از رونق نیفتد، استفاده از تبلت را هم روا میدانند اما نه برای "بچه دهاتی ها" بلکه برای آقازاده ها و اعوان و انصار مفتخورشان.

کل این نظام با کل دستگاه فکری و عملی موجود در این سیستم در خدمت تحمیل از طریق مذهب و کسب سود از طریق استثمار و بهره کشی است. بازگشایی مدارس در این شرایط هم از این اصل مجزا نیست. معلمین معترض به سیستم سودآوری آموزش را بازداشت و زندان میکنند و دست به بازگشایی مدارس در خطرناکترین شرایط موجود میزنند. در مقابل این وضعیت باید ایستاد، خواست خانواده ها برای آموزش از طریق فضای مجازی و اینترنت جهت حفظ جان کودکان و نوجوانان باید خواست اصلی از دولتی باشد که ریس شیب آن حاضر نیست حتی برای نیم ساعت در فضای باز و در بین دانش آموزان ظاهر شود.

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰

کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت در ایران، مونترال - کانادا

و کمیته یادمان (تورنتو) برگزار می کنند:

سخنرانی به همراه بحث، تبادل نظر، پرسش و پاسخ

« پیوند جنبش دادخواهی و مبارزات جاری در ایران »

### « زن و زندان »

سخنران: فروغ اسد پور، زندانی سیاسی دهه شصت، نویسنده و پژوهشگر

« پیوند جنبش دادخواهی و مبارزات جاری در ایران »

سخنران: سیاوش دانشور، زندانی سیاسی دهه شصت،

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری-حکمیست



زمان: شنبه ۱۲ سپتامبر

ساعت ۱۰:۳۰ شب بوقت ایران

ساعت ۸ شب بوقت اروپای مرکزی

ساعت ۲ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکای شمالی

ساعت ۱۱ صبح بوقت غرب آمریکای شمالی

#### Address & Info.

توجه!

Paltalk: آدرس های مجازی در پالتاک، زوم و

Zoom: دیگر گروه های اجتماعی، بزودی به

اطلاع شما عزیزان خواهد رسید.

TEL: +1-514-258-8186

Email: koshtaredeha60@gmail.com

به بی نظیرترین فراموش می کنیم

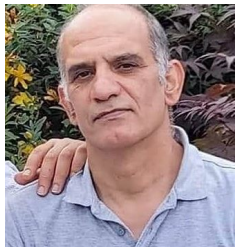


## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا

کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!



امروز خالقان جنایت ہفده شهریور و سی خرداد هر دو بخشی از اپوزیسیون حکومت اسلامی شده اند. همان ها که دستشان تا مرفق به خون آزادیخواهان و برابری طلبان آغشته است حالا دمکرات شده اند و دولت در تبعید تشکیل می دهند. فرشگرد تنها یکی از مراکز تجمع این جنایتکاران جنگی است. هر دو جماعت البته می گویند اشتباه کرده ایم و از تاریخ

عبرت گرفته ایم. هفده شهریوری ها افسوس می خورند چرا شورشیان پنجاه و هفت را به قدر کفایت نکشتند تا از تاج و تخت نمی افتادند. داعشیان دمکرات شده هم می گویند اگر کشتیم، پونز به پیشانی زنان زدیم و سنگسارشان کردیم همانا چون آرمان خواه بودیم و انقلابی! می گویند امروز دیگر دوران آرمانخواهی بسر آمده و انقلاب، خشونت است. جنایتکاران، عبرت های تاریخی شان نیز چونان زندگی نکبت بارشان جعلی است و بوی چرک و خون و تعفن و کثافت می دهد. تاریخ بورژوازی تاریخ دروغ و خدعه برای پایمال کردن خون های به ناحق ریخته است. در این تاریخ، اسناد واقعی دستکاری، وقایعی برجسته و فجایی بکل نادیده گرفته می شوند تا راه برای معاملات و بده و بستان های سیاسی هموار گردد. جماعتی بر اعدام های شهریور شصت و هفت تاکید می کنند و خواهان فراموش شدن کشتارهای خرداد شصت می شوند. عده ای یاد قربانیان دهه شصت را گرامی می دارند بی آنکه نامی از جانباختگان هفده شهریور ببرند. بورژوازی برای اغراض و اهداف سیاسی، اتحاد و انشعاب های کاذب سازمانی، ایجاد جبهه متحد فرصت طلبان و انقلاب همه با همی بسی بیشتر از تاریخ واقعی و حرمت انسان ارزش قائل است.

تاریخ به روایت پرولتاریا اما داستان واقعی و بی کم و کاست جدال خونین طبقاتی است. اگر خلق خاوران در امتداد گورستان آریامهری است که هست آنگاه بر عهده ما کمونیست هاست تا سیر پیوسته این تاریخ استعمار و سرکوب را مدام یادآوری کنیم. نگذاریم حتی یک لحظه و یک واقعه از این تاریخ خونین تحریف شود، نگذاریم حتی خون یک نفر از آزادیخواه پایمال گردد.

در سالگرد هفده شهریور یاد تمام جانباختگان راه آزادی و برابری گرامی باد!

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰

## در ستایش و گرامیداشت جانباختگان

### راه آزادی و برابری

جاويد حكيمي

چهل سال حکومت اعدام و سنگسار اسلامی با خلق جنایات هولناکی چون خرداد شصت و شهریور شصت و هفت دارد یک روز تاریخی خونین دیگر را بتدریج از خاطره ها مبهم و محو می سازد؛ هفده شهریور.

آن روز خونین، آن جمعه سیاه، مجوز و مجالی بود که صاحبان سرمایه جهانی برای شاه، این متحد بی جرات و جریزه خود مهیا ساختند تا مگر از پس مردم معترض و به خیابان آمده برآید. شاه نیز الحق و الانصاف سنگ تمام گذاشت و مخالفین را از زمین و هوا، با تانک و بالگرد به رگبار بست. غرض نه پراکنده کردن تجمع کنندگان که قلع و قمع آنان بود برای یکسره کردن کار و احیاء اختناق آریامهری. کشتار بس سنگین و سبانه بود و می توانست به تثبیت حکومت منتهی شود اگر متعاقب آن طبقه کارگر با اعتصاب به میدان نیامده بود.

با ورود کارگران نفت به عرصه جدال سیاسی و اعلام اعتصاب در مهرماه همان سال، کار البته یکسره شد اما به زیان سلطنت. حالا دیگر نه فقط اساس سلسله پهلوی که کل سیستم سرمایه نیز در معرض هجوم انقلابیون قرار گرفته بود. جامعه ایران در آن وانفسا به چپ چرخیده بود و در آن جهان دو قطبی، روی کار آمدن دولتی چپ گرا بسیار محتمل می نمود. پس سردمداران نظام جهانی سرمایه به اتفاق، چاره را در آن دیدند که دولت، این ابزار سرکوب طبقاتی را از شاه بی پشم و پبله بستانند و به خمینی خون آشام و ریاکار بدهند. بدینسان ضد انقلاب اسلامی به نام انقلاب و با سوءاستفاده از توهم توده ها و روی دوش اپوزیسیون ملی-اسلامی، ادامه دهندگان انقلاب را درست از روی لیست سیاه ساواک شناسایی کردند و آماده خلق جنایت شدند. در تاریخ واقعی سی خرداد شصت همان هفده شهریور خونین است در امتداد سرکوب انقلاب لیکن با ابعادی به مراتب هولناک تر.

**ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این**

**نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی**

**نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.**

## پایان شرایط دهشتناک پناهندگی در

### گرو دخالت جدی شماست

سعید آرمان

به اتحایه‌های کارگری، نهادهای مدافع حقوق پناهندگی، سازمانهای بین‌المللی حقوق بشر، احزاب و سازمانهای چپ و مترقی!

رویدادهای دلخراش چند سال گذشته و سیل عظیم آوارگان جنگی و رانده شدگان از جنگ داخلی در لیبی و سوریه، سیطره حاکمان فاسد و جنایتکار در عراق و افغانستان و ایران و سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقا، فضا را برای نفس کشیدن آزاد بیش از هر زمان تنگ تر کرده است. نتیجه این اوضاع نابسامان آوارگی و جابجایی انسانها در ابعاد دهها و صدها هزار نفره است و بخشارو به کشورهای اروپایی، ترکیه و یونان آواره شدند. در این مسیر هزاران نفر در دریاهای مدیترانه و ازه جانشان را از دست داده‌اند.

دولت ترکیه در معامله با اروپای متحد و دریافت میلیاردها یورو بمنظور ایجاد کمپهای پناهندگی و ممانعت از آنان به سوی کشورهای اروپایی، در مواردی برای تبدیل کردنشان به ابزار فشار برای اخذی بیشتر و بده بستانهای سیاسی، دهها هزار پناهجو را عامدانه و در اوج بی مسئولیتی به سوی مرزهای یونان روانه کرده و در میانه دو سنگ آسیاب نیروهای امنیتی ترکیه و یونان آماج حمله و تحقیر قرار گرفته اند. حتی وسایل شخصی تعدادی از آنان را ضبط و لخت و عور به ترکیه برگرداندند. جهان شاهد صحنه‌های غم انگیز یورش با گاز اشک آور به جمعیت پناهجویان مستاصل بود که در میانشان دهها کودک بچشم می خورد که در نتیجه پرتاب گاز اشک آور ضجه می زدند. ما شاهد بودیم که چگونه پناهجویان با اعمال قهر مرزبانان یونان ناچار به برگشتن به ترکیه شدند.

سه شنبه شب هشتم سپتامبر کمپ "موریا" بزرگترین کمپ پناهندگی واقع در جزیره لیسبون یونان طعمه حریق شد و بالغ بر ۱۳ هزار پناهجو که به گفته خبرگزاریها ۴۰۰ کودک بی سرپرست زیر ۱۸ سال در میان آنان می باشد، آواره و راهی شهرهای اطراف شده‌اند و در عین حال با ممانعت پلیس یونان روبرو شده‌اند. در این آتش سوزی طبق خبر رادیو "دویچه‌وله‌ری" یک مادر افغانستانی مقیم کمپ بوریا همراه با کودک خردسالش جانانشان را از دست داده‌اند و ۱۷ نفر نیز آسیب دیده‌اند. اوضاع هزاران کودک دیگر که به همراه خانواده‌هایشان در بدترین شرایط زندگی می کنند و آینده‌شان در فقدان مدرسه و امکانات بهداشتی بشدت تاریک و نامعلوم است.

شرایط کمپهای پناهندگی مطلقاً قابل تعریف نیست. این کمپها فاقد ابتدائی ترین امکانات رفاهی، بهداشت و تغذیه می باشد و بیشتر به کمپ اسرای جنگی و مجرمین جنایی شباهت دارد. شرایط انتظار پناهجویان

در این کمپها و بی آیندگی که به آنها تحمیل شده، نتیجه سیاست دولتهای اروپایی از جمله آلمان، بلژیک، فرانسه و سوئیس است که از خود سلب مسئولیت کردند. در عوض با دولت یونان معامله کردند و بسته‌های پیشنهادی بمنظور نگهداری پناهجویان و ممانعت از گسیل به سمت اروپا به آنها تحویل دادند. پلیس یونان نیز با برخورد خشن و عدم تامین حداقل امکانات زیستی به قلع و قمع پناهندگان روآورده است. آزار جنسی و تجاوز به کودکان و زنان و جوانان پسر و دختر و دزدی و فشار گروههای بزهار عملا زندگی را به جهنمی برای ساکنین این اردوگاه ها تبدیل نموده است.

شیوع ویروس کرونا در کمپ های پناهندگی بویژه در کمپ موریا یکی دیگر از موارد نگران کننده است. متأسفانه دولت یونان در اوج بی مسئولیتی این مبتلایان به کرونا را رها کرده و امکانات لازم را در اختیار آنان قرار نمیدهد.

برای توقف این فاجعه انسانی باید دست بکار شد

آنچه در یونان و ترکیه و بلغارستان برای پناهجویان اتفاق افتاده و کماکان ادامه دارد یک فاجعه انسانی غیر قابل انکار است. تداوم این فجایع انسانی در قرن بیست و یکم شرم جهان امروز ماست.

رشد جریانات راست و نژادپرست در اروپا و بخشا در راس حاکمیت بعضی از کشورهای اروپایی و رخنه در پارلمانها، شرایط پناهندگان در این کشورها و پناهجویانی که قصد آمدن به اروپا را دارند و اکنون در کمپهای ترکیه و یونان گیر افتاده‌اند، به مراتب بدتر کرده است. رشد جریانات نژادپرست با بحران اقتصادی ۲۰۰۸ بیشتر شد و اکنون بعد از ۱۲ سال مردم جهان با دو بحران کشنده، بحران اقتصادی و اپیدیمی کرونا درگیرند که تأثیرات عمیقی بر سطح معیشت کل جوامع و گسترش فقر و مرگ و میر گذاشته است. پناهجویان که بی پناهترین و محرومترین آحاد جامعه می باشند بیشترین لطمات را از این اوضاع دیده‌اند و روزنه‌ای برای پایان آن دیده نمی شود.

پایان این شرایط دهشتناک و جلوگیری از فجایع بیشتر در گرو دخالت جدی شماست. بیائید صداهای متفرقه را یکی کنیم و دولتهای اروپایی را تحت فشار قرار بدهیم تا به این تراژدی انسانی و این بحران فاجعه‌آمیز قرن بیست و یکم پایان دهند. بیائید انسانیت تاریخ معاصر را یکبار دیگر نمایندگی کنیم و دولتهای امضا کننده کنوانسیون ژنو در امور پناهندگان را ناچار به اجرای تعهداتشان کنیم. از دولت یونان بخواهیم که هر چه سریعتر به معضلات پناهندگان پایان دهند و شرایط انسانی از نظر تغذیه، بهداشت، مسکن و امکانات تحصیلی برای کودکان مهیا و در پایان تدارک انتقال به سایر کشورهای پناهنده‌پذیر و امضا کننده کنوانسیون ژنو، باشند.

با احترام، سعید آرمان

دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی- بی مرز  
پنجشنبه دهم سپتامبر ۲۰۲۰





## وحشت طرفداران سرمایه از گسترش مبارزات کارگری

نادر شریفی

شوراها و آرزوی آزادی و برابری را از کل جامعه بزداید. امروز اما جنبش و سنت شورائی - کارگری خود را هر روز بیشتر از دیروز در قامت مبارزات و اعتصابات و اعتراضات هوشمند کارگران در سراسر ایران نمایان کرده است.



روشن است گسترش مبارزات کارگری جنبشهای ارتجاعی راست را به واکنش وادار خواهد کرد. در ابتدا نیروهای راست

از جمله فرسگردها، این مبارزات را در جنس "براندازی" تعریف میکردند و بنابر این همانند دیگر مبارزات سرنگونی طلبانه بر علیه جمهوری اسلامی، آنان را برای بدست آوردن قدرت سیاسی برای خود حتی "مفید" میدانستند. چرا که این اعتراضات پایه های حکومت اسلامی را سست میکردند. فرسگردهای ضد کمونیست در کنار دیگر نیروهای ارتجاعی مثل شاه بی تاج از اعتصابات رانندگان کامیون و دیگر اعتراضات بطور ضمنی حتی دفاع هم کردند. اما از قرار این اعتراضات از جنس دیگری از آب درآمدند. جملات درخشان رهبران کارگری که حساب مبارزات کارگری را از حافظان نظام "وضع موجود" جدا کردند، فراموش نشدنی خواهند ماند. امروز حتی فریاد حکومت شورائی در برخی تظاهراتها و اعتراضات شنیده میشود. رهبران کارگری صاحب نظران جامعه شده اند، سخنرانی میکنند و راه چاره جلوی پای طبقه خود میگذارند! جنبش رادیکال با شعارهایی مانند: "نه شاه می خواهیم نه ملا"، خط قرمز خود را بنمایش گذاشت و امروز "کار" را به آنجا رسانده اند که قصد واژگونی نظام سرمایه و تصرف قدرت سیاسی و بل جایگزینی آن با حکومت شورائی و کارگری را دارند. بخصوص اگر در این میان، صحبت از کارگران کمونیست و بی وطن و کمونیستهای کارگری شده باشد. فرسگردها و راستها داشتند به برکت ترامپ خواب حکومت خود را در سر میپروراندند. اوضاع جهانی را بنفع ناسیونالیسم، منفعت طلبی و زدن روزانه سطح معیشت کارگران تعریف میکردند! حالا ب فکر کمک مالی به مبارزات کارگری آنهم توسط ترامپ و از جیب خود کارگران افتادند تا شاید بتوانند اعتصابات کارگری را به ارتش جاوید شاه بدل کنند!

پر واضح است که در دستگاه فکری فاشیست هائی مثل فرسگردها، تنها و تنها حاکمیت سرمایه "مقدس" است، در هر مقطع زمانی بایستی محفوظ بماند و بنابراین "معقول ترین" حکومت، آن حکومتی است که بدست "کارکشتگان"، "صاحب نظران"، پروفیسوران، نخبه گان و اقتصاد دانان حافظ طبقه سرمایه اداره شود. این آن هشدار مهمی است که رفته رفته در تلی از "دفاعیات" مصلحتی از مبارزات کارگری، به کارگران انقلابی گوشزد می کنند.

از نظر اینان رهبران کارگری و کارگران اعتصابی باید در مبارزه بر علیه شرایط بسیار اسف بار اقتصادی، حقوق شش برابر زیر خط فقر و عدم نبود حداقل سطح معیشت بفهمند که رتق و فتق جامعه باید بدست "کاردانان و نخبگان" واقعی جامعه باشد. بقولی طبقه کارگر نباید فراموش کند که حکومت را باید برای "حفظ میهن" آنان به "حکومت مداران" لایق بسپارند. از کمونیستهای کارگری و تصور شوم "حکومت کارگری" فاصله بگیرند! این نقطه مشترک دیگری از

به گواه دشمنان و دوستان طبقه کارگر، میتوان رادیکال ترین و قوی ترین جنبش اعتراضی را جنبش کارگری در صحنه مبارزات سیاسی، اقتصادی امروز جامعه ایران دانست. حاکمیت عنان گسیخته سرمایه در ایران که حاصل اش حداقل ۳۰ میلیون حاشیه نشین است، بحران اقتصادی ناعلاج حکومت سارقان اسلامی، انباشت افسانه ای حکومت گران از رهبر و اعضای خانواده وی تا پائین ترین مقامات حکومتی، فقدان آزادی های بدیهی و پایه ای تا سرکوب وحشیانه خیزشهای توده ای و سرنگونی طلبانه سال گذشته و دستگیری هزاران انسان معترض؛ تنها جامعه و طبقه کارگر را آتاکونیزه تر و سیر حرکت اجتماعی را رادیکالیزه تر کرده است.

گسترش اعتراضات، اعتصابات و مقاومت قدرتمند روزافزون کارگران، بالاجبار باعث شده که مرزهای سیاسی و "خطوط رسمی" حکومت حافظ نظم سرمایه که در پی خصوصی سازی بیشتر و تحمیل فشار اقتصادی خود به طبقه کارگر ایران است، دائما برهم بخورد. طی روزهای گذشته حکم خلع ید از کارفرمایان خصوصی دو شرکت بزرگ را صادر کردند. مبارزه با خصوصی سازی بدلیل تبعات منفی آن برای کارگران، یکی از تاکتیک ها و سیاستهای امروز طبقه کارگر ایران است. مبارز برسر این خواست در شرکتهای متعددی پیش رفته و بویژه در سه سال گذشته مبارزات درخشان کارگران هفت تپه و هشتاد و شش روز اعتصاب اخیر بدست آمده است. مسلما هر پیشروی طبقه کارگر را بر آن خواهد داشت برای دستیابی به خواسته های خود جلو برود و به مبارزاتش سرعت بخشد.

گسترش روزانه مبارزات و اعتراضات کارگری در سراسر ایران "رویای" سرکوب جنبش انقلابی آبان و دیماه سال گذشته را پوچ اعلام کرده است. کابوس بورژوازی وحشتناک و واقعی است، کابوس قدرتگیری طبقه کارگر، آنهم هنگامی که جهان حافظ سرمایه همین بیست سال پیش در شیپور ناهنجار "پایان سوسیالیسم" دمیده بود! رشد جنبش کارگری و عقاید سوسیالیستی در ایران، فقط لوزه بر پیکر فاسد نظام نکبت اسلامی نیانداخته است. "صاحبان" سرمایه های کلان اقتصادی "خارج نشین"، بازماندگان حکومت پادشاهی، خدمت گزاران جهان سرمایه تا فرسگردها و دیگر "علمای" اقتصاد منفعت مالکیت خصوصی را نیز ناچار به عکس العمل در مقابل مبارزات طبقه کارگر کرده است. قدرت گیری روزافزون طبقه کارگر و احتمال اینکه طبقه کارگر در قدمهای بعدی دست بقدرت سیاسی دراز کند، آنان را بوحشت انداخته است. حکومت اسلامی برای سرکوب انقلاب ۵۷ بیش از صد هزار کمونیست، چپ، آزادیخواه و مخالف سیاسی را بخشا بدون دادگاه و محاکمه چند دقیقه ای اعدام کرد. هدف اینبود که فریاد آزادیخواهی،

میشوند که با "بی دقتی" و "عجله" و "اشتباه" و غیره موجب "ضرر به تولید و توقف موقتی تولید و ایجاد هزینه های دیگر" شده اند!

آیا کارگران حین کار اشتباه نمی کنند؟ واقعیت اینست که هر کسی که دو روز مشغول کاری بوده باشد، میداند که اشتباه و بی دقتی در کار رخ میدهد و حتی بطور آمپریک و ساده هم میتواند اشتباهات احتمالی را پیش بینی کند. ضریب فاکتور "اشتباه و سهو و بی دقتی" در کل پروسه کار و اتفاقات ناگواری که رخ میدهند، تعیین کننده و توضیح دهنده میزان قربانیان دهشتناک محیط کار نیست. کارفرماها این فاکتور و ضریب خطای ناچیز کارگر در کل پروسه کار را برجسته میکنند تا شانه از زیر بار مسئولیت جنایتی که رسماً و قانوناً مرتکب میشوند خالی کنند. حتی "اشتباه کارگر" با تجهیزات ایمنی و آموزش قابل پیشگیری است. فشار کار و استرس ناشی از آن که توسط کارفرما به کارگر تحمیل میشود، به سهم خود امکان "اشتباه" کارگر را بالا میبرد و نمیتوان وقتی "حادثه" رخ داد کارگر را "مقصر" نامید!

### ضرورت اعمال نظارت کارگری

تامین ایمنی محیط کار یک از خواستههای قدیمی جنبش کارگری ایران است. میزان گسترده قربانیان محیط کار در ایران بویژه در بخش ساخت و ساز پروژه های صنعتی و مسکن و ساختمان و معادن، بیش از هر زمان خواست تامین ایمنی محیط کار و نظارت کارگران بر آن را ضروری کرده است. روشن است که به محیطهای مخاطره آمیز و ناامن نمیتوان "محیط کار" اطلاق کرد. محیط ناامن کار قتلگاه کارگران است. سود بیشتر انگیزه و نیروی محرکه جنایت کارفرما علیه کارگر است. متقابلاً تلاش کارگر برای برخورداری از محیط کار ایمن تقابل با جنایت و سودپرستی کارفرمایان و دفاع از موجودیت خویش است.

کارگر تن و جانش را به سرمایه فروخته است، کارگر نیروی کارش را در ازای دستمزد به سرمایه دار فروخته و سرمایه دار حق ندارد و نمیتواند بخاطر سود بیشتر با زندگی کارگر و خانواده کارگری بازی کند. جمهوری اسلامی در قانون کار و آئین نامه های بیمه و بهداشت محیط کار و تعریف "حادثه محیط کار" و مسئولیت آن، از جمله با بحث "بیمه و مسئولیت مدنی" و انواع شرکتهای بیمه و بسته های مختلف بیمه، که متناسب با منافع دولت بعنوان بزرگترین کارفرما و دیگر سرمایه داران است، عملاً شرایطی فراهم کرده است که کارفرمایان را از تامین استانداردهای ویژه ایمنی هر محیط کار معین، معاف و یا راه فرار از قبول مسئولیت را برای آنها باز میگذارد. به آنها اگر خیل "کارشناسان" وزارت کار و تامین اجتماعی و غیره را که با رشوه کارفرما گزارش وارونه میدهند را اضافه کنید، دست آخر کارگر قربانی محیط ناامن کار دهکار هم میشود!

جنبش کارگری برای تامین ایمنی محیط کار باید به پلاتفرمی متکی شود که اعمال نظارت کارگران یک محور اساسی آنست. نکات مربوط به ایمنی کار ضروری است از نظر فنی و عملی توسط کارگران در هر رشته و محیط کار معین بسط داده شود:

۱- برخورداری از یک محیط کار و زیست ایمن حق پایه ای شهروندان است و دولت و نظام موجود موظف به تامین آنست. هر پروژه صنعتی و غیر صنعتی که امنیت و سلامتی و بهداشت شهروندان را عموماً و کارگران در محیط کار را خصوصاً به مخاطره می اندازد،

## ضرورت اعمال نظارت کارگران

### بر ایمنی محیط کار

#### سیاوش دانشور

محیط های ناامن کار در ایران هر روز و هر ساعت فاجعه می آفریند. روز یکشنبه شانزدهم شهریور، بار دیگر بر اثر ریزش معدن زغال سنگ در هجدک کرمان، کارگران این معدن زیر آوار محبوس شدند. در این واقعه چهار تن از کارگران به نامهای: سید رحیم حسینی، مصطفی گلستانی، امیر رضا دورانی و میثم رامشک جان باختند و یک کارگر دیگر به نام عبدالله جباری که مصدوم شد. آذر ماه سال ۱۳۸۹ نیز ریزش معدن در اعماق جان چهار کارگر معدنچی را گرفت.

#### محیطهای ناامن کار قتلگاه کارگران

سازمان بین المللی کار میگوید سالانه ۲.۷۸ میلیون کارگر به علت حوادث شغلی و بیماری های شغلی جان خود را از دست می دهند و ۳۷۴ میلیون کارگر دیگر نیز از حوادث شغلی غیر کشنده رنج میبرند. این آمار هنوز دقیق نیست و متکی به گزارشهای رسمی جنبش سندیکائی در کشورهای پیشرفته و همینطور آمار آگاهانه تعدیل یافته توسط دولتها و کارفرمایان از میزان قربانیان محیط کار در کشورهای تهبه شده که کارگران از دیدهی ترین حقوق کار محروم اند. کارگر در کشورهایمانند بنگلادش و ترکیه و ایران و هند و چین، که باید ارزان کار کند و از حداقل ایمنی محیط کار برخوردار نیست، بسیار بیشتر قربانی محیط ناامن کار میشود. با اینحال طبق همین آمارهای نادقیق و تحریف شده موجود، در حال حاضر "حوادث ناشی از کار" سومین عامل مرگ و میر در جهان و دومین عامل مرگ و میر در ایران است. جمهوری اسلامی در هر شاخصی ته لیست کشورهای جهان باشد، در اعدام و در قتل در محیط کار و در میزان شکاف طبقاتی رکورددار است!

عنوان "حوادث ناشی از کار" که لیستی از اتفاقات و "اشتباهات کارگر" و مسائل غیر مترقبه را در تعریف خود جای داده است، عنوان مناسبی برای قتل عام مستمر و روزمره ای که در جلوی چشم دنیا از کارگران صورت میگیرد، نیست. این آمار و ارقام از وجود یک جنگ گرم و خونین و بیوقفه سرمایه داران و حکومتهاشان علیه کارگران سخن میگویند. در کدام جنگ و در کدام تروریسم کور سالیانه چند میلیون نفر کشته میشوند؟ کارفرمایان و سرمایه دارانی که با هدف کسب سود بیشتر، هزینه های تولید از جمله دستمزد و بیمه و ایمنی محیط کار و آموزش و غیره را کاهش میدهند، آگاهانه و عامدانه با جان و زندگی کارگران بازی میکنند. به عبارت دیگر قاتلین کارگران که به دلیل عدم تامین امکانات ایمنی ضروری در محیط کار که حتی بصورت فرمال قانوناً به آن متعهد شده اند، راست راست در جامعه راه میروند، مورد احترام و جزو "عالیجنابان" شمرده میشوند و کارگرانی که با مسئولیت اینان به قتل رسیده اند، "مقصر" قلمداد



## وحشت طرفداران سرمایه از گسترش

### مبارزات کارگری ...

سلسله نقاط مشترک مابین حکومت گران فعلی حافظ بربریت سرمایه و حکومت گران خواهان برقراری حکومت "متعارف" بربریت سرمایه آینده است. لذا در ادامه مبارزات کارگران در سست کردن پایه های حکومت اسلامی، حافظان سرمایه و عاشقان "خاک پرگهر" نه تنها خودشان را طرفدار دروغین طبقه کارگر، بلکه مبارزات کارگری امروز در ایران را به پای بخشی از پروسه تفویض قدرت از دست اندرکار نالایق به حکومت مداران لایق (که خودشان باشند) و رهائی "میهن عزیز" اعلام میکنند. وقتی ملی گرایان، فرش گردیها و وطن پرستان تنها یک "هویت" و "آنهم" ایرانی" بودن همه عناصر اجتماعی را در مقوله ای بنام میهن تعریف میکنند، جایی برای طبقات، تفاوت طبقاتی و مبارزه طبقاتی و کارگری و اکیدا حکومت کارگری باقی نمی گذارد! از اعتراضات کارگری بفرم عمومی دفاع می کنند منوط به اینکه در تعریف "کیان میهن" و در مخالفت با "فرقه تبهکار" آنان بگنجد. ولی صحنه ها عوض و مبارزات کارگری بسرعت رادیکالیزه شدند. فرشگردیها و دیگر مدافعان و حافظان دیکتاتوری سرمایه نیز دست بکار شده اند و در دنیای مجازی پای اطلاعاتیهای کارگران مبارز هشدار دادند، راه حل تشکیل صندوق مالی ارائه دادند، از همه مهمتر کارگران را از حکومت شورائی، حکومت کارگری و کمونیستهای کارگری بخصوص برحذر میدارند و می هراسانند. آلترناتیویشان هم روشن است: براندازی نظام اسلامی، بقدرت رسیدن حکومت پهلوی.

نتیجه: اعتراضات، اعتصابات کارگری بر خلاف تصور حکومت حافظان سرمایه اسلامی و نیروهای بورژوائی و راست در اپوزیسیون؛ روز بروز گسترش پیدا میکند. تاکنون نیروهای راست اپوزیسیون ایران با همکاری عوامل خود موفق نشده اند جنبش اجتماعی طبقه کارگر را به بیراه ببرند و کمترین تأثیری بر سیاست جنبش کارگری ندارند. اینها اصلا وصله ناجور به پیکر اعتصاب کارگری اند. با گسترش دامنه مبارزات کارگری و تغییر در تناسب قوای سیاسی، تفکر شورائی و ایجاد عملی شوراها به جنبشی وسیع بدل خواهد شد. کارگر آنوقت به حکومت کارگری و لغو کار مزدی نظر دارد و سرمایه را بعنوان یک رابطه اجتماعی و سرمایه دار را بعنوان یک طبقه بمصاف خواهد طلبید. نیروهای ارتجاعی حافظ سرمایه یکی پس از دیگری مجبور خواهند شد در مقابل کارگران کمونیست و انقلابی دست بکار شوند و حتی به کمک نظام اسلامی بشتابند. قطبی شدن اوضاع طبقات و جنبشها و نیروهای سیاسی شان را به جدالی وسیعتر می کشاند. کار ما در این مبارزه برافراشتن پرچم اهداف و سیاستهای مستقل طبقه کارگر و اهداف کمونیستی طبقه کارگر برای آزادی جامعه است. آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ضرورت اعمال نظارت کارگران

### بر ایمنی محیط کار ...

باید متوقف شود.

۲- برخورداری از یک محیط ایمن کار و مجهز بودن محیطهای کار به استانداردهای ایمنی کار یک حق پایه ای کارگران و یک خواست قدیمی جنبش کارگری در ایران و جهان است.

۳- کارفرمایان حق ندارند به هر دلیلی کارگران را وادار به کار در محیط ناامن کار کنند. قربانی شدن کارگران در محیط کار غیر ایمن باید بعنوان اقدام آگاهانه کارفرمایان به قتل عمد کارگر تلقی شود.

۴- کارگران حق دارند از کار کردن در هر محیط کار ناامن، امتناع کنند و کارفرما نمیتواند تحت فشار و تهدید به اخراج و بهره برداری از صف عظیم بیکاران، کارگر را وادار به تمکین در محیط کار غیر ایمن و خطرناک کند.

۵- تشخیص ایمنی محیط کار در صلاحیت نهادهای منتخب کارگران است. کارفرمایان موظف به تامین سیستم و استانداردهای ایمنی کار بعنوان جزئی از پروسه فنی کار و تولید هستند. تنها کمیته های ویژه ایمنی محیط کار و منتخب کارگران که آموزش کافی برای چک کردن ایمنی و تشخیص مخاطرات را دارند، صلاحیت بررسی و نظارت و تأیید ایمنی محیط کار را دارند.

۶- در فقدان تامین استانداردهای ایمنی محیط کار، مسئولیت کامل هر حادثه ناگواری برعهده کارفرماست. خانواده های قربانیان باید از بیمه کامل و معیشت برخوردار شوند، مصدومین باید بتوانند کار و زندگی شان را بعد از مصدومیت ادامه دهند، کارفرما و دولت مستقیماً در قبال هزاران کارگری که هر سال مصدوم و نقص عضو میشوند، مسئول اند.

نظر به شرایط حاکم بر کار و تولید در ایران و افزایش روزافزون تلفات ناشی از محیط های ناامن کار، بیش از هر زمان اعمال نظارت کارگران ضروری است. یک وجه اعمال نظارت کارگری بر امور، تأیید ایمنی محیط کار توسط کمیسیونهای منتخب کارگران است. این یک جبهه مبارزه و کشمکش جاری با کارفرمایان و دولت اسلامی است. اما کارگران نباید منتظر شوند بلکه راساً در مجامع عمومی مراکز کار، گروه های نظارت بر امنیت محیط کار را انتخاب و دست به کار شوند.

مادام که نمایندگان ما نگویند سر کار نمی رویم. مادام که شاخصهای امنیت کار تأیید نشده کار تعطیل است. انتخاب کمیسیونهای ایمنی محیط کار و اعمال نظارت آنها برای تقابل با تراژدیهای انسانی است که تحت عنوان "سوانح محیط کار" هر روز خانواده های کارگری را نابود میکند.

## موفقیت ۸۰ درصدی کمپین اعتصاب کارگران نفت و گاز

### گزارش کارگران پایینگ و پروژه‌های نفت و گاز:



این حقوق‌های ناچیز است و در آخر شرکت‌ها و پیمانکاران بدانند کارگران دیگر در برابر ظلم‌های شما سکوت نخواهیم کرد و با اتحاد هم‌همی کارگران زحمتکش هر سال حقوق‌های کارگران پروژه افزایش خواهند داشت.

به امید اتحاد بیشتر برای کارگران زحمتکش پروژه‌های کشور.

#همبستگی\_پیروزی

**"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیم‌های قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره می‌خورد!"**

منصور حکمت

با درود بیکران و عرض ادب و احترام خدمت هم‌همی عزیزان پروژه‌های. برادران عزیزان توجه داشته باشید، طی پنج مرحله از کمپین‌ها با همکاری بسیاری از نیروهای زحمتکش و پرتوان پروژه خوشبختانه به موفقیت تقریباً ۸۰ درصد رسیدیم. شرکت‌ها و پیمانکاران از این اتحاد کارگران وحشت کرده و از این همبستگی کارگران متعجب هستند. کارفرمایان و پیمانکاران دیگر می‌دانند حق کارگر را نمی‌توانند چپاول کنند؛ بخصوص هم‌همی پیمانکاران که حساب کار دستشان آمده که دیگر نمی‌توانند کارگر را فریب دهند و با حقوق کم کارگران را مشغول کنند.

ما کارگران پروژه‌های تا کی باید بگوئیم، فلان پیمانکار فامیل هست یا فلان پیمانکار از اقوام ما است، دوست ما است و سرمان را پایین بیندازیم و باحقوق کم کار کنیم، آنهم در زمانه‌ای که پراید ۱۰۴ میلیون تومان شده است؟ تا کی باید خوابگاه با امکانات کم، سرویس رفت و آمد با وضعیت افتضاح، غذای بی‌کیفیت را تحمل کنیم؟ هر جا و در هر پروژه دیدید که حقوق، بیمه، خوابگاه، غذا، سرویس و دیگر شرایط کار، وضعیت نابه‌سامانی دارد، سریعاً با دوستان خود مشورت کنیم؛ اتحاد داشته باشیم و دست از کار بکشیم و اعتصاب کنیم تا متصدی کار شرایط کارگارش را برایمان درست فراهم سازد. من. کارگر پروژه‌های چجوری با یک مربای سه در سه و با یه کره سه در سه از ساعت ۶ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر کار کنم؟ نه دیگر زمان حق‌خوری شرکت‌ها و پیمانکاران زانو صفت به پایان رسیده است. به تمامی شرکت‌ها و پیمانکاران در سال ۱۳۹۹ اتحاد خودمان را نشان دادیم و باز هم در کمپین‌های بعد با اتحاد بیشتر نشان خواهیم داد.

#### دوستان عزیزان!

در اکثر پروژه‌ها و با همکاری و هم‌همی هم‌همی شما عزیزان و به لطف کمپین با افزایش حقوق نیروها موافقت شده است. به عنوان مثال جوشکار برق آرگون کربن که قبل از کمپین حقوقش ۶.۵ یا ۷ میلیون تومان بوده، الان با ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ میلیون تومان مشغول بکار شده‌اند. فیتر که قبل از کمپین با حقوق ۵.۵ و ۶ میلیون تومان مشغول بوده، بعد از کمپین و الان با حقوق ۸ میلیون تومان مشغول بکار شده؛ داربست بند که قبل از کمپین باحقوق ۴ یا ۴.۵ میلیون تومان مشغول بوده، الان و بعد از کمپین با حقوق ۷ یا ۷.۵ میلیون تومان مشغول بکار هستند.

از اینجا خواهش داریم از تمام عزیزانی که بدور از خانواده و در گرما و شرجی در عسلویه و دیگر مناطق کشور مشغول بکار هستند، طبق کمپین‌ها مشغول بکار شوند و شرکت‌ها و پیمانکاران زانو صفت بدانند و هوشیار باشند که حقوق کارگران اجرایی پروژه‌های اعم از جوشکار، فیتر، مونتاژ کار، داربست بند، مکانیک، انبار دار، برق کار کمکی و سایر مشاغل پروژه هر سال افزایش خواهد داشت.

ما کارگران پروژه و صنعت کشور همان افرادی هستیم که تا پای جان از میهن عزیزمان دفاع خواهیم کرد. حق ما کارگران پروژه بیش از

بزودی برگزار می شود؛

## بحران حزب کمونیست ایران و کومه له: سیاست کمونیستی در قبال آن

سمینار سیاسی رحمان حسین زاده



در این مبحث، پیشینه و کارکرد گرایشات درون حزب کمونیست ایران و کومه له، جایگاه صف بندی راست و چپ کنونی، مقاطع تعیین کننده گردش به راست این جریان، نقش دبیر اول کومه له در ایجاد موقعیت تراژیک کنونی کومه له، راه برون رفت چپ و کمونیستی این بحران بررسی میشود!

این سمینار در سوشیال مدیا پخش میشود. تاریخ ارائه مبحث ۲۴ ساعت قبلتر به اطلاع میرسد.

## قتل فجیع دو خواهر توسط پدر، دولت اقلیم مسئول است!



کردستان عراق از ناامن ترین مناطق برای زنان است. ناسیونالیسم و مذهب و عقب ماندگی مرتباً از زنان قربانی می گیرد. طی حاکمیت احزاب ناسیونالیست، کردستان عراق به قتلگاه زنان بدل شد. آمارها وحشتناک و نادقیق اند اما طی این سالها هزاران زن به طرق غیر قابل تصور به قتل رسیدند. "حکومت اقلیم" و "دولت کردی" با کارنامه اش نشان داده که کمترین سنخیتی با حقوق پایه انسانی ندارد. یک ورژن عقب مانده و سوپر ارتجاعی از دولتهای عربی و دیکتاتوری های منطقه است. حکومتی که دست مردان و آخوندها و لمپن ها را برای تعرض و تعدی باز گذاشته است. با ترویج عقب ماندگی و خرافه ناموس و مردسالاری و سنت عشیره ای، هر روز زنی، دختری، به شکل فجیعی به قتل می رسد. تکرار جنایت هر روزه علیه زنان دیگر جانی ثابت در اخبار یافته است.

آخرین مورد داستان تراژیک دو خواهر است که توسط پدر به قتل رسیدند. حتی تصور آن برای یک لحظه هم سخت است، چطور میتوان دو جگر گوشه نازنین را با سبعیت و خونسردی تکه پاره کرد؟ انسان امروز تحت این نظام چه بسرش آمده که از حیوانات درنده بدتر رفتار می کند و عاری از هر نوع عاطفه و حس انسانی است؟ ظاهراً جدائی پدر و مادر در ماههای گذشته آغاز این تراژدی است. این دختران پیش پدر زندگی میکردند، لابد به دلیل بیحقوقی مادر در تصمیم گیری. پدر هرچه عقده و توحش داشته روی سر این دختران ریخته و مرتباً آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده است. دختران در اعتراض به خشونت مستمر از پدر شکایت می کنند. کسی جوابی به آنها نمی دهد، این مسائل "فرعی" اند! ناچاراً برای مدتی به یک مرکز نگهداری زنان در سلیمانیه پناه می برند. پدر اما سراغ دختران می آید، به مرکز مربوطه قول میدهد دیگر خشونت نکند، آنها هم می پذیرند. و بعد همراه دختران به منزل میروند و قتل فجیع با نقشه قبلی صورت می گیرد. دو دختر جوان در بی پناهی محض و در معیت قانون کثیف و ضد زن حاکم سلاخی می شوند. حتی خانواده دختران حاضر به تحویل جنازه نمی شود و تراژدی با دفن آنان توسط شهرداری چمچال به پایان میرسد.

مجری این جنایت پدر این دختران است اما مسئول مستقیم آن و قتل روزمره زنان در کردستان عراق احزاب حاکم و میداناری جریانات اسلامی و قوانینی است که هر روز جنایت تولید و باز تولید می کند.

\*\*\*

## اعلامیه حزب حکمتیست

## یاد کارگران جانباخته معدنچی هجدک را گرامی می داریم!

## مسبب این جنایت کارفرمایان و جمهوری اسلامی اند!

با کمال تاسف، امروز یکشنبه شانزدهم شهریور، بر اثر ریزش معدن زغال سنگ در هجدک کرمان، کارگران این معدن زیر آوار محبوس شدند. بنا به خبر تاکنون چهار تن از کارگران به نامهای: سید رحیم حسینی، مصطفی گلستانی، امیر رضا دورانی و میثم رامشک جان باختند. یک کارگر دیگر به نام عبدالله جباری که مصدوم شده بود را به بیمارستان شهر کرمان انتقال دادند. آذر ماه سال ۱۳۸۹ نیز در همین معدن، بر اثر فقدان سیستم ایمنی کار، ریزش معدن در اعماق جان چهار کارگر معدنچی را گرفت.

محل های ناامن کار به قتلگاه کارگران تبدیل شده و در این میان معادن یکی از مراکزی است که بدلیل فقدان ایمنی محیط کار و سودپرستی سرمایه داران، مرتباً از کارگران قربانی می گیرد. معادن زغال سنگ از طبس و کیاسر و کلاریز تا یورت و هجدک و چشم پودنه، یادآور فجایع و جانباختن کارگران در اعماق است. آمار رسمی که شامل بسیاری از معادن کوچک نمی شود، از "بیش از ۳۰۰۰ حادثه در معادن کشور، آسیب دیدگی حدود ۱۳۰۰۰ نفر و کشته شدن بیش از ۴۳۰ معدنچی" طی یکدهه اشاره دارد. آنچه که زیر تیتر "حوادث کار" ثبت می شود، نتیجه امتناع کارفرمایان از تامین سیستم ایمنی محیط کار بدلیل سودجویی و فرستادن آگاهانه کارگران به محیط ناامن کار و بازی با جان کارگران است.



کارگران معدن زغال سنگ هجدک کرمان سابقه مبارزات پرشکوه در چند ماه گذشته علیه واگذاری صندوق بازنشستگی فولاد توسط شرکت سرمایه گذاری دالاهو به بازار بورس را دارند که موفق شدند دولت و کارفرما را عقب برانند. امروز نیز ضروری است برای تامین امنیت محیط کار و دفاع از همکاران وارد اعتراض و اعتصاب شوند و علیه کارفرمایان و جمهوری اسلامی بعنوان مسبب و مسئول قتل کارگران بمیدان بیابند. ایمنی محیط کار باید توسط کمیسیون های منتخب اعمال نظارت کارگران در محلهای کار تائید شود. کارفرمایان باید وادار به تامین سیستم استاندارد ایمنی محیط کار و پذیرش نظارت نمایندگان کارگران شوند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست ضمن ابراز تاسف عمیق بخاطر جانباختن کارگران معدنچی، به خانواده و بستگان این عزیزان و کارگران معادن زغال سنگ هجدک کرمان صمیمانه تسلیت میگوید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۶ شهریور ۱۳۹۹ - ۶ سپتامبر ۲۰۲۰

## زنده باد مجمع عمومی و اعمال اراده

## مستقیم و مستمر کارگران!

## کلیه زندانیان سیاسی بدون تعلل و

## فوراً آزاد باید گردند!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

## به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!